

سردبیر: میثم رشیدی مهرآبادی
صفحه آرا: مجتبی دهقانی
جلد: سپهر سهامی فرد
ویرایش عکس: زرناز حسینی
ویراستار: اکبر فکری

همکاران این شماره:
 حمید بناء، محمد حسن
 یوسفی، سعیده اسداللهی، الهام
 اشرفی، نازنین فاطمه امیرفرجی،
 آرنیکا عمادی، منیر حمزه‌ای، منصوره
 جاسبی و زینب گل محمدی

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
 JAMEJAM.NEWS
 کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
 info@jamejamdaily.ir

■ گزارش مراسم رونمایی از کتاب‌های
 یک انتشارات کودکان و نوجوانان

با «فیل» پرواز کن!

آرنیکا عمادی

نوجوان
کتابخوان

امروز دوست دارم در مورد مراسم رونمایی از کتاب‌هایی که خیلی دوستان دارم برای شما بنویسم، چون در آنجا قصه شنیدم و به من خوش گذشت و علاوه بر کتاب‌های نشر فیل، یک پاک‌کن قشنگ هم مادرم برایم خرید. روز پنجشنبه ۱۹ مهر، من و مادرم به دعوت نشر فیل و دوست مامانم، ترمه، به کتابسرای راوی رفتیم. نشر فیل برای ما بچه‌ها کتاب‌هایی با تصاویر خیلی قشنگ در مورد شخصیت‌های مهم جهان منتشر می‌کند. شخصیت‌هایی مثل بروس لی، فروغ فرخزاد، محمدرضا شجریان، سهراب سپهری و مریم میرزاخانی. روز پنجشنبه هم پنج عنوان از جدیدترین کتاب‌های نشر فیل رونمایی شد که مترجم بعضی از آن‌ها خانم لیلی گلستان بود. مامانم گفت خانم گلستان مترجم ادبی مهمی است. خود خانم گلستان را هم دیدم. او یک حرف بامزه زد که همه خیلی خندیدند. او گفت من با اینکه ۸۰ سال سن دارم، ولی به خاطر این که سال‌ها در فعالیت‌های ادبی شرکت داشتم و مترجم بودم با خیلی از شما جوان‌ها دور یک میز در کافه‌ها نشسته‌ام و گپ زده‌ام.



به قلم نوجوان

■ نگاهی به یک کتاب مهم؛ «لمس خوب لمس بد» نوشته سندی کلون

بعضی قسمت‌ها خصوصی‌ترند!

درباره جیمی است. یک شب مادر جیمی قبل از خواباندن او شروع می‌کند به قلقلک دادنش. جیمی بعد از چند ثانیه از مادرش می‌خواهد که دیگر این کار را نکند. مادر جیمی بلافاصله این کار را قطع می‌کند و به جیمی می‌گوید که می‌خواهد برایش داستانی تعریف کند و معنی لمس خوب و بد را به او یاد بدهد.

داستانی که مادر جیمی برایش تعریف می‌کند به ما یاد می‌دهد که بدن خودمان را بیشتر بشناسیم و بدانیم که اگر در موقعیت بدی قرار گرفتیم باید به موقع چه کاری انجام دهیم و از بزرگ‌ترها کمک بخواهیم. او در داستانی که برای بچه‌اش تعریف می‌کند به او یاد می‌دهد همه بدنش از فرق سرتا نوک پا، خصوصی و مال خودش است و بعضی قسمت‌ها خصوصی‌تر هستند که ما باید آنها را بیشتر پیوشانیم و اجازه ندهیم هیچ‌کس به جاهای خصوصی بدن ما دست بزند. در آخرین صفحه این کتاب با خط بزرگ و سیاه نوشته شده است: «سخنی با بزرگ‌ترها» این صفحه را باید بزرگ‌ترها بخوانند. من کتاب را دادم به مادرم و بعد از تمام شدنش او گفت که این کتاب خیلی برای ما بچه‌ها و بزرگ‌ترها مفید و لازم است. پس من به شما می‌گویم که حتما این کتاب و دیگر کتاب‌های مهارت‌های زندگی را بخوانید تا چیزهای زیادی یاد بگیرید.

نازنین فاطمه امیرفرجی

نوجوان
کتابخوان

سلام دوستان خوبم. شما هم در مدرسه کلاس مهارت‌های زندگی دارید؟ ما از پارسال یک زنگ کلاس مهارت‌های زندگی داریم. من بعضی از مهارت‌های زندگی را در یکی از برنامه‌های شبکه پویا در تلویزیون دیده بودم و یاد گرفته بودم. در این کلاس معلم‌مان هر بار در مورد یک موضوعی با ما صحبت می‌کند، مثلاً در مورد «نه» گفتن. این که ما باید یاد بگیریم یک وقت‌هایی «نه» بگوییم و همه چیز را قبول نکنیم یا این که چطور یاد بگیریم به قانون احترام بگذاریم. امروز من تصمیم گرفتم یک کتاب مفید از مهارت‌های زندگی را به شما دوستانم معرفی کنم. کتاب‌های مهارت‌های زندگی را نشر نردبان چاپ می‌کند. این کتاب‌ها موضوعات جالبی مثل «باید بگی نه»، «بدن من مال منه»، «رازهایی که نباید مخفی کرد»، «حواسم به غریبه‌ها هست» و چیزهای مفید دیگری دارند. من تصمیم گرفتم‌ام که همه این کتاب‌ها را بخوانم چون مطمئنم که خیلی چیزهای خوبی از آنها یاد می‌گیرم. اسم کتاب امروز «لمس خوب لمس بد» است. این کتاب تا الان به چاپ ششم رسیده است. داستان این کتاب

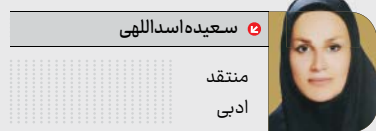


■ گذری کوتاه بر رمان «رویای تبت» نوشته فریبا وفی

وضعیت زنان در جامعه مردمحور

فریبا وفی یک نویسنده واقع‌گراست؛ به گونه‌ای که تمامی عناصر داستانی در کتاب‌های او در خدمت مکتب رئالیسم هستند. شخصیت‌هایی که وی در جهان واقعی داستان‌هایش خلق می‌کند، آدم‌های غیرعادی، عجیب یا متفاوتی نیستند که کمتر به چشم ما می‌آیند؛ همه آنها افرادی از طبقه متوسط و گاه کارگر هستند که دغدغه و درگیری‌های انسان معاصر را دارند. وفی در بیشتر آثارش به وضعیت زنان در جامعه و بحران هویت آنان در جامعه مردمحور می‌پردازد. داستان‌های او بیشتر روایتگر ناکامی، شکست‌ها و آرزوهای بر باد رفته زنان است و تمرکز اصلی وی در تمامی آثارش روی اجتماع، مسائل و مباحث جامعه امروزی است. نقش محوری زنان و برجسته نمودن کنش‌های روایی آنها، انتقاد از نظام مردسالار، بازنمایی تصویری گویا از وضعیت زنان جامعه خود و پرداختن به المان‌ها و بهره‌گیری از معنای برخی نمادها که اشاره به هویت زنانه دارند، در رمان‌های فریبا وفی به صورت برجسته دیده می‌شوند.

رمان رویای تبت دایره‌وار از نقطه‌ای به آغاز می‌شود و در پایان بندی به نقطه شروع بازمی‌گردد. مکانی که وفی به صورت کنایی از آن بهره برده، «تبت» است؛ به واقع شاید تبت، فضایی باشد که انسان به خاطر تفکر و ایده‌های خاص زندگی نمی‌کند و می‌تواند آزادانه‌تر فضای جدیدی را تجربه کند. رویای تبت؛ سومین اثر این نویسنده فارسی‌زبان در نشر مرکز منتشر شده است.



فریبا وفی را با اولین کتابش با عنوان «پرنده من» شناختم. داستان زنی خانه‌دار با دغدغه‌هایی از جنس جامعه امروزی و پرداختن به مفهوم انسانی بزرگی چون مهاجرت. بین ماندن و رفتن سرگردان بودن و درگیر واکاوی‌های گذشته شدن. فریبا وفی از آن دسته نویسندگان دغدغه‌مندی است که اگر سراغ مفاهیم تکراری و دست‌خورده‌ای برود، با نگاهی متفاوت و شیوه روایتگری خاص، داستان را پیش می‌برد. «رویای تبت» به ظاهر داستان زنی به نام شعله است که خواهر بزرگ‌ترش شیوا را با شگفتی مخاطب قرار داده و از یک مهمانی که ماجرای پایانی داستان است، شروع می‌کند و در خلال آن به مرور داستان و گذشته زندگی خود و خواهرش را روایت می‌کند. راوی با مرور لحظات زندگی خواهرش که از دید دیگران بسیار عقلانی و منطقی می‌آید به رفتارهای متناقض و متضادی می‌رسد که در پیچیدگی از زندگی و ارتباط شیوا و همسرش به روی او گشوده می‌شود. وجود شخصیتی با عنوان «مرد آرام» به عنوان تعلیقی قابل قبول، مخاطب را تا انتها راضی نگه می‌دارد. ساختار این رمان با تکنیکی هوشمندانه مهندسی شده و تمامی رخدادها برای مخاطب باورپذیر هستند.

فرامرز